

# قیام اسلام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران

هادی بهزاد

## هیاهوی عقده‌گشایی

خمینی نیز اگر بقدرجوی انما ف و مروت داشتند، سنگینی حق پیرمرد را برگردن خود حس می‌کردند و در هرنفس، با زبان شکر، لا اقل بخود می‌گفتند:

اگر اوبای این دنیا دنیا بی رحمی و شقاوت و این رکوردهای بی سابقه در ویرانگری و آدم‌کشی و ناکسی در میان نبود، حال و روز ما با این کارنامه‌های برده‌دروا بین شاه‌ها و جاندار، در جمع این مردم موشکاف به کجا می‌کشید؟ اظها روجود که سهل است، بی حضور خمینی و مخلوقات او کی و کجا مهلتی دست می‌داد تا چنین پرجرات و آشکارا، زجا نشانی‌های بی دریغ خود در راه سعادت ملت و مملکت، حما سه بسا زیم؟ برفنای بهشتی که به قیمت خون دل و ایثار و کف نفس ما برپا شده بود، بنا لیم؟

بقیه در صفحه ۲

حسینعلی مشکان

## اگر بند ششم

### زبان داشت...

در انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی مرحوم دکتر امامی اما مجمع تهران از مهابا با دوکیل شد و واقعاً سبب تیرهم ریاست مجلس را عهده‌دار بود. از همان زمان گروهی نظامی و غیرنظامی دور امام جمع شدند و عنوان "جمعیت برادران" بر خود گذاشتند و بعدها، اغلب آنها در دستگاه‌های اداری مشاغل و مناصب مهمی احراز کردند. زمانی، یکی از اعضای مؤثر این گروه را که ما حب منصب معروفی بود با تمام ختلاص گرفتند و زندانی کردند و قرا ریود محاکمه‌اش کنند. جمعی از "برادران" به منزل امام مجمع رفتند و از وی خواستند که برای استخلاص رفیقشان کوشی بکنند. مرحوم امام مجمع گفت اول با یدبغیم جرم واقعی این شخص چیست چون در این مملکت هیچکس را بجرم دزدی یا هیزی در از زنی کنند!

بقیه در صفحه ۱۲

## لیلی و مجنون نظامی

در صفحه ۶

گذشته زروضه خوانی که به دنبال عمری دوندگی برای رسیدن به انعام و منبری، یکشنبه "راه صدساله"، که راهی بیرون از دنیای تصورات و رویه‌های خود را پیمودند و به طرفه‌العینی بردرجات اعلا آخوندی و حکومتی چنگ انداختند و به "موهبت قسط اسلامی" هر کدام بسه قارونی بدل شدند... گروهی از "دشمنان" سعید رضوانی

## سید علی آقا

### در نیویورک

حجت الاسلام والمسلمین، سید علی آقا خامنه‌ای، روز بیست و دوم سپتامبر بعنوان رئیس جمهوری کشور اسلامی ایران در ساختمان عظیم شیشه‌ای سازمان ملل متحد حضور یافت و بیانات دفاعی و حقوق ملت ایران به ایراد خطابه پرداخت. به متن روضه‌ای که خواندند و اینطرف و آنطرف شنیده‌اید و خواننده‌اید که ری ندریم! اما... اما بیادمان آمد که سی و شش سال پیش، در زیر همین سقف وستون، مردی در مقام رئیس دولت از حقوق ملت ایران دفاع می‌کرد که دکتر محمد مصدق نام داشت.

بقیه در صفحه ۴

## سر زلف ساقی

در شوری در زمان برژنف لطیفه‌ای بر سر زبانه بود، و آن اینکه برژنف روزی در پیرش را به کاکرملین می‌برد و تا ق کار، ا تا ق پذیرا می‌شد، ا تا ق خواب، سالن ناها ر خوری و همچنین هدایای گرانبهای را که روه‌سای دولت‌ها برای او فرستاده‌اند به وی نشان می‌دهد. ما در برژنف که از آنهمه زیور و تجمل، هوش از سرش پریده، روه‌پسر کرده می‌گوید: بله، این‌ها بسیار رشک و همنده و زیباست، ولی می‌ترسم این سرخ‌های نمک‌نشان انقلاب کنند و این‌ها را همان گونه از تو بگیرند که از تزار گرفتند.

نمی‌دانیم که علی اکبرها شمی رفسنجانی و آله‌ده خود را به تالار پذیرا می‌مجلس شورای اسلامی برده یا با توموبیل ضد

بقیه در صفحه ۹

## آن غده بد خیم در کجاست

جدی صلح است و فقط در انتظار رکنار رفتن خمینی از صحنه سیاست است تا وزن و اندازه خود را به تماشا نشان دهد، بقیه در صفحه ۳

## تصمیمی که بسیار

### دیر اتخاذ شد

نهضت مقاومت دوسال پیش از فعالیت سری دفتر خریدار سلحه پرده برداشت

دولت انگلستان روز چهارشنبه بیست و سوم سپتامبر، دستور تعطیل دفتر خریدار سلحه جمهوری اسلامی در لندن را صادر کرد و از وی و چند تن ایرانی که در این دفتر کار می‌کردند خواست که ظرف پانزده روز خاک انگلستان را ترک گویند.

دستور تعطیل این دفتر که در قلب پایتخت انگلستان، مقابل وزارت بازرگانی انگلیس و در همسایگی اسکاتلند یارد قرار دارد، در پی حمله یک ناوچه تندرو جمهوری اسلامی به نفتکش انگلیسی "جنتل بریز" در بعد از ظهر دوشنبه ۲۱ سپتامبر در خلیج فارس ما در شد.

روزنامه "تایمز" چاپ لندن در سر مقاله روز پنجشنبه ۲۴ سپتامبر خود نوشت: تعطیل دفتر غیر رسمی خریدار سلحه جمهوری

بقیه در صفحه ۳

## شورای نهضت مقاومت ملی ایران

اجلاس عادی شورای نهضت مقاومت ملی ایران، از ساعت ۱۰ صبح روز ۲۸ شهریور ماه ۱۳۶۶ برابر با ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۷، تا پایان روز مذکور، به ریاست دکتر شایر یورختیار، رهبر نهضت، برگزار شد.

آقای امیرحسین امیر پرویز، مسئول شاخه نهضت مقاومت ملی در انگلستان، که پس از چادسه‌سوه قصد ما ه ژوئیه گذشته، همچنان دوران نقاهت را می‌گذراند در جلسه حضور یافته بود. دکتر یورختیار از اینکه آقای امیر پرویز از این توطئه‌چان سالم بدر برده است، اظها ر خوشوقتی کرد.

بقیه در صفحه ۷

انتشار رنا گهانی خبر پیدا شدن غده‌های بدخیم در مغز آیت‌الله خمینی و احتمال اینکه وی در اواخر ماه نوامبر در ویس زیر عمل جراحی قرار گیرد، ظاهراً هیچ ربطی به آنچه در خلیج فارس می‌گذرد و آنچه در باره خلیج فارس می‌شنویم، ندارد. کاری به این ندارد که این خبر، نا درست است یا درست، و لسی زمان انتشار آن ذهن را به طرح پرسش‌هایی برمی‌انگیزد: از آنجا که جمهوری اسلامی در تنگنای وقت است، انتشار این خبر آیا گریزگانه‌ای تا زه‌ای برای آن می‌گشاید؟ اگر برآستی آیت‌الله چنان بیما راست که با یدی درنگ به تریش برود و جراحی شود، آیا بهترین نیست که قدرت‌های بزرگ عیالنا "زمجانات جمهوری اسلامی به عنوان دولتی که قطعاً ماه ۵۹۸ را نپذیرفته است، دست بردارند تا ببینند چا نشینان او در باره جنگ و صلح چه می‌اندیشند؟ در حالی که جناحی در هیأت حاکم ایران خواستار

## به کارگردانی اسرائیل

دشمن دشمن من، دوست من است. اسرائیل برای آن که "دوست" خود را از بین دولت در حال جنگ در منطقه خلیج فارس انتخاب کند، ظاهراً هیچ درنگی نکرده است؛ عراق را، پیش از هر چیز به عنوان کشوری عربی، دشمن خود می‌داند. وقتی که اسرائیل دشمن را انتخاب کرد، دیگر انتخاب دوست نیازی به تاء مل بسیار ندارد. چنین است که اتحادی نامسدون و غریب بین رژیم آیت‌الله خمینی و حکومت اسرائیل پدید آمده است.

اسرائیلیان در این انتخاب بیگمان از دیدگاه مصالح بلند مدت استراتژیک خود به قضا یا نگاه می‌کنند و درست یا نادرست، خطری را که ملموس تر و نزدیک تری دانند، به عنوان خطری جدی ترمی گیرند.

نزاع اعراب و اسرائیل، تاریخی دست کم هفتاد ساله دارد، سطح جغرافیایی این نزاع به گستردگی سرزمین‌های بقیه در صفحه ۴

بقیه از صفحه ۱

ویرمیتی که از سر ناسیاسی نمک را خورد و نمکسدان را شکست و نمک سا زرا بکام "مصیبت و درگیری کشید، بتا زیم و گردن هسارا بالا بگیریم و در صف طلبکساران بنشینیم؟ درینجا که از آن یک جوان صاف و صروت نشانی نیست.

و اما خدمت خمینی به این طایفه تنها از آن نیست که با ب مقایسه را با زکرده است، بلکه عمدتاً "ازجسارت حیرت انگیز و در لافزنی است که بی-مبالغه می توان گفت، مقیاسات قضاوت را شکسته است.

وقتی چشم در چشم میلیون ها خانسوار بیگاروسرگردان و گرسنه و میلیون ها بیماری دارو در مان و رودر روی دنیا ئی آشفته و فروخته از این موج رذالت و آدم کشی و آدم زدنی بی هیچ پروا ادعا میکند:

"ملت ما امروز الگوئی شده است از برای همه ی کشورها".

وقتی در کتار این ردیف بی انتها از گورستان و زندان و سیا هچال و شکنجه گاه و فهرست هزارها اعدا می و دهها هزار زندانی و انبوه سلاحخانه های که زیر نام "محکمه ی عدل اسلامی" ظرف کمتر از یک ساعت گروه ها گروه آدمیزاد را به جوخه های مرگ حواله می دهند و با جرات تمام می گوید:

"در دنیا هیچ دمکراسی بهتر است از این دمکراسی ما نیست، یک چنین چیزی تا حالا دیده نشده است".

وقتی زیر نگاه و بیفتنای او بنا مشرعت و قرآن و سیره ی نبوی، بر عفت دختران معصوم، در آستانه ی اعدام تجاوزه می کنند (تا در برابر میزان عدل الهی به باکراه زندنی رفتن، آلوده نباشد). وقتی او با ش حزب الله و انصار و رواسدار و بیسیجی و خود فروختگان ثار الله در کوچه و بازار و حتی کنج خانه ها نیزمان از زنان بریده اند، به رویشان تیغ میکشند، اسید می پاشند و در "ردوگاه های نهی از منکر"، به انواع خفت و بی عفتی آزارشان می دهند و حرامی پیسر، در غایت بی حیائی مدعی میشوند که:

"امروز بانوان ما بطوری غرق در نعمت خدا هستند که حدی ندارد و خودشان هم شاید از این نعمت های بزرگ الهی غافل باشند".

خلاصه وقتی لافزنی به این اوج هسار و مرزها می رسد، طبیعی ست که قباحتش در زمینه های سبکتر، کم رنگتر و سست تر میشود.

به مقایسه که جای خود دارد، به جسارت درگزاره گوئی میدان میدهد، فهم منطق این ادعا دشوار نیست. ببینید که در همین یکی دوماه گذشته، چطور بی مقدمه ولی هما هنگ، سیل رساله نویسی و محقق تاریخ و سیاست شناس و سیاست-پرداز و "عقدہ گشا" به سوی با زار قلمزنی و خطا به وروشنگری و مصلحت اندیشی جاری شده است که در این هشت سال رفتن از قریب به اتفاق آنها نشانی نبود. البته این جماعت اگر نه به تمام می، اکثرشان این گمنام بی نامی نیستند و لسی از مدت، خواه نا خواه ذهن

## هیاهوی عقده گشایی

نیروهای ملی " و جلوگیری از تعارض " سلیقه ها و عا طفه ها " ، هم در حسنات " مشروطه " بعنوان نوشداروی ایران محتضر مدیحه بسا زد و رساله بنویسد و هم در فتنای " بهشت گمشده " مرثیه بخواند؟ حالا اگر در آن با غیبت تا بعیت ایرانی تورا نه بشناسنا مادت - نه به سلسله ی آباء و اجدادت - نه به یادگارهای تاریخی ات - نه به زبان تکلمت - نه به دل بستگی به کوچه پس کوچه ها و درودیوار شهر و ولایتت - نه به خاطر های با زی بسا بچه محلها و هم کلاسی های ت - نه به نام و نشان و پیوندهایت - نه به خویشی با

انسان را به سوی این خیال می کشد که یا بدست تظاول روزگار زبای افتاده و یا به حکم عافیت طلبی و مصلحت، غیبت را بر حضور ترجیح داده اند. حالا چه تفاق رخ میدهد که چنین ناگهانی گره زبانه ها گشوده و بساط تظهور و برائت گسترده میشود؟

سوالی است که به تاء مل نیاز دارد و بهر حال اگر دلیل این عجله و شتاب، از زبان "موقع شناسی" ناروشن است، به لحاظ ما به دست، پوشیده نیست که گفتیم خمینی با شکستن مقیاسات حیا راه را به روی هر ادعائی حتی در حدانکار افتاب در روز



از هرا لد تریبون

سعدی و حافظ و فردوسی و خیامت، بلکه فقط به عضویت حزب فرا گیر بستند، این مصلحتی بود که در فهم توی کوربا طسن نمی گنجید و همین کوربا طنی بود که تورا به ناسپاسی کشید و همین ناسپاسی بود که شعور تورا قاپید و هرگز در دنیا فتنی "حزب فرا گیر و زشگاه دمکراسی و کلید در همان مشروطه ای است که از معنای آن فقط چند صد ساله ی مبهم و رنگ پریده به چشم و گوش تورسیده است: (عالمه مطبوعات... آزادومیزی در آنها ممنوع است) - انجمن ها و اجتماعات... در تمام مملکت آزاد است.

مشروطه را آن "کارگران شریف و وطن پرستی" هم کردند که یک روز تعطیل، در حین انجام وظیفه ی سازندگی ناگهان به الهام قلب غیب شناس، خبر شدند که در نزدیکی های تهران، در جایی به نام کاروانسرا سنگ، گروهی "وطن فروش" به "بها نهی مشروطه خواهی" اجتماع کرده اند و دیدیم که چطور، بی هیچ قرا و مواضعی قبلی ازجسارت جهیدند و خود را به خائنین رسانند و چنان با کار و جماق و زنجیر در مساراز روزگارشان در آوردند که تا هفته ها او ماها از جا نجبند و فضولی نکنند. و اما تشبیه

روشن، هموار کرده است. وقتی جسارت یا وه گوئی بدرجه ای میرسد که ولایت فقیه را به الگوی شوق انگیز کارفر و مسلمان مبدل میکنند و بر آدمکشی و آدم دزدی انگ عبادت می گوید، چطور نمیی توانیم خبرچینی برای یک جاسوس خارجی را تدبیر "وطنخواهانه ای" تعبیر کنیم که سقوط "وطن عزیز" را میان زمین و هوا مانع شده است؟

چه جای خرده گیری و "منفی بانی" که کودتائی را که حتی طراحان و سرمایه گذاران آن نیز در "کودتسا بودنش" تردید نکرده اند، "مذکودتا" و رحمت نازلی بشماریم که ایران را از یک قدمی دام بلشویسم واپس کشیده است؟

چه گیری پیدا خواهد شد اگر بگوئیم: این پادشاه فقید ما نبود که اول بار "صدای انقلاب ملت را شنید" و اول بار ر کلمه ی "انقلاب" را به زبان ها انداخت و بر "دفع فساد" و احیاء مشروطه متعهد شد، بلکه این بلواگران حرامی بودند که در آن روزهای طوفانی صدای پادشاه را تقلید کردند؟

آن "کارگران غیور" که برای سرکوب آن "فتنه ی عظیم" قیام کردند - بسا حزب اللهی که روزگار ملت را تباها کرده است، عین بی انصافی است. چرا که آنها فقط به "گروهی"، آن هم برای مراقبت از شعا مشروطه تا ختنند و حزب الله برای حفظ حکومت مشتی ردا پوش چرکین داماد به مردم بی پناه می تا زد و مرز توقیفی هم نمی شناسد. این با آن از زمین تا آسمان فاصله دارد.

مولانا عبیدمی فرماید: بزرگ زاده ای خرقه به درویشی داد، طعنان خیر این واقع به سمع پدرش رسانیدند، با پسر در این باب عتاب می کرد، پسر گفت: درکتا بی خواندم که هر که بزرگی خواهد با یدهر چه دا ردا یشا رکند، من بدان هوس این خرقه را یشا رکردم. پدر گفت: ای ابله غلط در لفظ یشا رکرده ای که به تصحیف (خطا در خواندن و نوشتن الفاظ) خوانده ای. بزرگان گفته اند که هر که بزرگی خواهد با یدهر چه دا ردا یشا رکند، تا بدان عزیز با شد.

ظاهرا "آنچه را که ما تا کنون در باره ی مشروطه و مشروطه گری خوانده و از قانون اساسی آن استنباط کرده ایم، همه به "تصحیف" بوده است. از این پس باید مشروطه را در مکتب حضرات بیا موزیم تا مرکز ذهنمان شود که به مشروطه دست نخورده میماند مگر آن روز که "بهشت گمشده" را با ز جوئیم.

اگر خط خود را می یافتیم تا کنون پذیرفته بودیم که "قوای مملکت" را به تصحیف "ناشی از قدرت" نوشته اند، صحیح آن "ناشی از قدرت" است و آن گاه ایمان میا وردیم که در فهم "تبری پادشاه از مسئولیت" و "مسئولیت وزرای دولت در برابر مجلسین" به همان ماجرای "یشارو انبار" گرفتار بوده ایم و معنای واقعی آن اصول این است که "پادشاه وزراء خود را خود دستچین می کند" و خود به عزلشان فرمان می دهد - و در صورت لزوم بتاء دیب برفر قشمان میگوید، با این وصف بجان می پذیریم، اینکه نوشته اند "هیچکس را نمی توان از محکمه ای که با ید در باره ی او حکم کند منصرف کرده و مجبوراً" به محکمه ی دیگری رجوع دهند" و با اینکه "منزل و خانسه ی هر کس در حفظ و امان است، در هیچ مسکنی قهرا" نمی توان داخل شد مگر به حکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده است" فقط یک صورت "تصحیف شده" قانون است و صورت صحیح آن این است که "خانه ی هر کس منزلگاه ربا ب قدرت است" و

رئیس الوزراء وقت باشد. پس اگر آن رئیس الوزراءی که ادعا کرده بود "عزل من به ترتیبات و تشریفات نیاز دارد" و "وانگهی از کجا بدانم این شوشکه بندی که نیمه شب بخانه ی من آمده و حکم عزل آورده است یک ماء مورا صلی یا بدلی است؟" به چنان روزی افتاد که به زنجیرش کشیدند، خانه اش را به غارت بردند و حتی پس از گذشت سه سال محکومیت حکیم فرموده از خروج از خانه و دیدار دوستان محروم کردند، خلاف عدالتی

## آن غده بد خیم در کجاست

بقیه از صفحه ۱

آیا هم اکنون صدور قطعنامه‌های در مجازات رژیم تهران، آب به آسیاب "تندروها" نخواهد ریخت و وزن سه طرفداران صلح را سبک تر نخواهد ساخت؟

به هر حال رژیم تهران فرجه‌های تازه‌ای بدست آورده است. پنج عضو دائمی شورای امنیت در آخرین دیدار در پشت درهای بسته نخواهند استند و نتوانستند سر قطعنامه‌های تازه‌ای در مجازات رژیم تهران به توافق دست یابند. جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا اعلام کرده که دادن مهلت تازه به جمهوری اسلامی بدان معنی نیست که مجازات منتفی شده است. شواردن دزه وزیر خارجه شوروی گفت که قطعنامه ۵۹۸ (آتش بس،

برگشت به مرزهای بین المللی، مبادله اسیران ۰۰۰) باید به اجرا درآید. جمهوری اسلامی شاید این را به عنوان پیروزی دیپلماتیک برای خود تلقی کند، اما علی‌خامنه‌ای هنگامی که روانه نیویورک می‌شود و عده‌هایی بزرگ‌تر از این به خود می‌داد. هیچ پیش‌بینی نمی‌کرد مجبور خواهد شد سخنانی شورا نگیزی را که برای جلب همدلی بین المللی با رژیم تهران فراهم آورده بود. در آخرین لحظه‌ها تغییر دهد. غرق ناوچه‌های از سپاه پاسداران به وسیله نیروی دریایی آمریکا در آبهای خلیج فارس سبب گردید که وی سخنانی را که در ظرف چندین روز تهیه کرده بود، به کناری نهاد و سخنانی ای بکنده در عرض چند ساعت سرهم‌بندی شده بود.

خامنه‌ای هم در نیویورک موافقت مشروط خود را با این قطعنامه گرفت و گوئی با دبیرکل سازمان ملل اعلام داشت. اما این شرط، شنیدنی است: می‌گوید پیش از هر آتش‌بسی باید یک کمیسیون بی‌طرف متجا وزرا تعیین کند. و جمهوری اسلامی فقط هنگامی بی‌طرفی این کمیسیون را خواهد پذیرفت که عراق را متجا و بیداند.

بقیه از صفحه ۱

اسلامی در لندن، تصمیمی درخور ستایش بود، اما پنهان نکنیم که این تصمیم بسیار دیرا اتخاذ شد...

نهضت مقاومت ملی ایران، در تاریخ دوازدهم سپتامبر ۱۹۸۵، دوسال پیش، از معاملات قاچاق اسلحه که در این مرکز اسراراً میزدریا بخت انگلستان انجام می‌شد با انتشار اسنادی در هفته‌نامه نهضت که از درون این مرکز، به دست آورده بود، پرده برداشت و نسخ متعددی از این اسناد را در اختیار رسانه‌های گروهی بین المللی قرار داد.

بررسی دقیق اسناد بدست آمده از دفتر خرید اسلحه جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که چگونه رژیم تهران برای خرید جنگ افزار قاچاق به چند برابر قیمت و معمولاً تا مرغوب و اغلب مسروقه دست‌ساز شده‌ها

این، دفتر تدارک تسلیحاتی جمهوری اسلامی را در لندن بست و به کارکنان ایرانی آن دستور داد که انگلستان را ترک گویند.

سرچفری‌ها و وزیر خارجه انگلیس، در سازمان ملل متحد موضعی درست در کنار ایالات متحد گرفته، خواستار آن شد که شورای امنیت قطعنامه‌ای در مجازات رژیم تهران صادر کند. پیش از آن ما رگارت تا چرخ نخست وزیر انگلیس در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه آلمان "اشپگل" گفته بود که نمی‌توان به هر خودکارهای اجازت‌دهنده در خلیج فارس هر چه خود هوس کرد صلاح دید بکنند.

بگومگوها و کشمکش‌ها در سازمان ملل متحد نباید نگاهها را از واقعیتی مهم منحرف گرداند، و آن اینکه تعطیل دفتر تدارک تسلیحاتی رژیم تهران در لندن، عملاً از بسیاری قطعنامه‌های سازمان ملل متحد مهمتر است. زیرا جمهوری اسلامی را، سوای کمیودفروش نفت که با از سر گرفته شدن جنگ نفتکش‌ها دوباره نمایان شده است، با این مشکل تازه روبرو خواهد ساخت که با ارزکاش‌ها یافته هنوز دشوارتر از پیش سلاحهای مورد نیاز خود را برای ادامه جنگ بدست آورد.

بدون معناتی، خامنه‌ای ز جنبه روانشناسی امر، نیست که اشاره کنیم فاصله گرفتن لندن از رژیم تهران سبب خواهد گردید که برخی کسان در ایران، چه در هیئت خاکم آخوندی و چه بیرون از آن، زاویه دید خود را نسبت به مسائل چنددرجه‌ای تغییر دهند.

یک خط موازی گذرا بین سیاست رژیم اسلامی و سیاست شوروی در خلیج فارس (تخلیه آنجا از همه کشتی‌های جنگی) نباید دور نه و بی‌ثباتی بیش از آن که دارد پیدا کند. درست است که شوروی شادمان خواهد شد از این که با نعلین آخوندپاشا بر دم "شیطان بزرگ" بگذارد. ولی این نباید ما را از تنش‌های مهمی که در مناسبات دودولت وجود دارد غافل گرداند. چرا که هرگز ز چشم‌کرم‌ملین به عنوان طرفی در خورا عتقاد دلسوسه نخواهد کرد. از این که بگذریم شوروی به هیچوجه نمی‌تواند سیاست نزدیکی با اعراب را قربانی هوسناکی‌های

خلیفه‌ها را نکند. نیز هیچ چیز برای شوروی نادرخواه ترا زیورزی رژیم تهران در جنگ نیست. وانگهی با کاهش تسلیحات هسته‌ای در اروپای غربی و مرکزی، شوروی با آمریکا دوی بزرگ‌تر از آن در میان دارد که در این بازی حتی نیم‌نگاهی به تهران ببنداند.

در کانون دیگری از تحولات، صفوف اعراب را می‌بینیم که هر چند آهسته، اما پیوسته، به سمت نزدیک تر شدن در حرکت است. اگر اعراب کمتر پسین تردیدی در مقام صدها نگشا یا نه

آیت الله داشتند، یا دستخوش این توهم بودند که می‌شود با مماشات، از ارتفاع بلند پروازیهای انقلابی اوکاست، اکنون با دیدن واقع بین تری بی‌شماران و جهت‌گیریهای آن می‌نگرند. چرم متراکم کشورهای عربی به هر حال این قدر نیروی جاذبه پیدا کرده است که لیبی را از اردوگاه تهران به سوی خود بکشاند. سوریه برای پیمودن راهی که لیبی رفته است، اصولی را به عنوان مانع در پیش پانمی بیند و تکلیف را فقط هنگامی می‌یکسره خواهد کرد که بداند دیگر نمی‌تواند بزرگ تهران را بازی کند.

قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل که به اتفاق آرا به تصویب رسید، به صورت نقطه‌ای درآمده است که در آن تقریباً "تمامی کشورهای جهان به سه یکدیگر می‌رسند. فقط یک دولست - جمهوری اسلامی - به آن نپیوسته است. امیدش - یا آرزویش - این است که آن نقطه بیوند بین المللی را بهم بریزد، آن هم در حالی که زمان با او نیست.

جمهوری اسلامی بدین ترتیب در حالت تعلیقی است که نمی‌تواند دیری بپاید. یا با دیدن قطعنامه بیوند آتش بس و مذاکره و صلح را بپذیرد، یا بیش از پیش در گرداب انزوای کامل فرورود و در نتیجه دیگر نتواند جنگ را ادامه دهد. در این هر دو حال بود و نبود رژیم اسلامی در میان است. غده بدخیمی که موجودیت رژیم را تهدید می‌کند، در اینجا است، در مغز آیت الله می‌خواهد با شدمی خواهد شد.

نهضت مقاومت ملی ایران، شش‌ماه انگلستان، بر اثر تماس‌هایی که با نمایندگان مجلس عوام و مجلس لوردان گرفت موفق شد بحث دربارها فعالیتهای دفتر خرید اسلحه جمهوری اسلامی را به درون مجلس لردا بکشد.

در جلسه روز هفدهم مارس ۱۹۸۶ چهار رتن از اعضای مجلس لردان، دولت انگلستان را دربارها ره صدور اسلحه قاچاق آمریکا از طریق لندن به تهران مورد سؤال قرار دادند. در این بحث پارلمانی، نمایندگی شرکت ملی نفت ایران در لندن که دفتر خرید اسلحه جمهوری اسلامی، در طبقه چهارم ساختمان آن متمرکز است، به مشارکت در صدور اسلحه قاچاق به ایران متهم شد. در پایان، لرد "یانگ اوگرافام"، وزیر کار، خطاب

## تصمیمی که بسیار دیرا اتخاذ شد

قرار داده می‌شوند این دفتر نمی‌توانند نظارتی از نظر کیفیت و کمیت قطعاعات داشته باشند.

در پی انتشار این اسناد، نهضت مقاومت ملی ایران به ویژه به اهما مشاخصه نهضت در انگلستان کوشید توجه مقام‌ها و رسانه‌های انگلیسی را به معاملات قاچاق هنگفتی که در این دفتر غیر رسمی در قلب لندن انجام می‌شود، جلب کند و برای این نکته پیاپی تاءکید کرد که با فعالیست گسترده، اما مخفیانه بین مرکز لندن به صورت کانون دادوستدهای جنگ افزار قاچاق و مبداء حمل و نقل آن‌ها به تهران درآمده است.

سوداگران با زارجهانی اسلحه می‌شود. در یکی از این سندها سرهنگ راسخ احمدی، به تاریخ ۱۳۶۳/۷/۲۶ به رژیم تهران گزارش می‌دهد: "در کمیسیون تهران که در تاریخ ۱۳۶۳/۷/۲۶ با حضور نمایندگان شرکت "آ.ام.اس." و نماینده شرکت حمل و نقل "آلپورت" در محل دفتر خرید اسلحه در لندن تشکیل گردید نمایندگان شرکت "آ.ام.اس." اعلام کردند که سرگرم تهیه مقدمات تحویل اقلام تسلیحاتی از طریق دفتر خرید اسلحه به وزارت دفاع جمهوری اسلامی هستند... ولی به دلیل این که اقلام از طرف شرکت فروشنده و مبادی مربوطه در صندوق‌ها

# سید علی آقادر نیویورک

بقیه از صفحه ۱

ببین نگاهت رو از کجاست تا به کجا  
برجای رطل و جام می، بگوان نهاد سندی  
برجای جنگ و نای و نای، آواز است و زغن  
ابراست برجای قمر، زهر است برجای شکر  
سنگ است برجای گبر، خا راست برجای سمن  
روزی که دکتر مصدق از پله های عمارت  
سازمان ملل متحد با لایمی رفت، جهان  
چشم به نیویورک دوخته بود تا ببیند  
مرد در آنجا چه خواهد کرد و چه خواهد گفت.  
امروز، با لارفتن حجت الاسلام خا منهای را  
از پله های عمارت سازمان ملل، مردم  
دنیا فقط به چشم یک مضحکه سیاسی نگاه  
می کنند. چیزی در حد یک سرگرمی و تفریح،  
زیرا اولین بار است که یک آخوند برای  
ایران دنطق به سازمان ملل متحد می رود.  
دکتر مصدق را در سفر نیویورک، گروهی از  
استادان حقوق و رجال سیاسی کشور  
همراهی می کردند و لایحه دفاعیه دولت  
ایران را که به زبان انگلیسی تهیه  
شده بود مرحوم اللهبیار صالح قرائت  
کرد. همراهان حجت الاسلام خا منهای در  
سفر نیویورک عیار رتندا زمعی روضه  
خوان و رمال و دعا نویس و معرکه گیر.  
روزی که دکتر مصدق به شورای امنیت  
می رفت، ایرانیا ن از شرط غرور سرشان  
به آسمان می رسید و به عالمی فخر  
می فروختند که چنان مردی از ایران  
برخاست و برای دفاع از حقوق ملت  
ایران، در حال کسالت و نفاقت، رنج  
سفر به آن طرف دنیا را بر خود هموار ساخته  
است. امروز، این هم غمی سبزه و  
شماری دیگری برای ایرانیا ن است  
که با بد شخصی چون سید علی خا منهای به  
نام رئیس جمهوری و سخنگوی ملت ایران  
در یک مجمع بزرگ جهانی ظاهر شود.  
مرحوم دکتر قاسم غنی که در مهر ماه سال  
۱۳۳۵، هنگامی که دکتر مصدق به سازمان  
ملل رفت، در نیویورک اقامت داشت و  
شخصاً شاهد آن حادثه تاریخی بوده است  
در خاطراتش می نویسد:  
" به بعد از ظهر در فاکولتی کلوب کلمبیا  
اوسبورگ رسته دکتر مصدق آمد. آقای  
عبدالحسین خان دهقان نطق ذیل را در  
خیر مقدم گفتند:  
خانمها و آقایان هموطنان عزیزم،  
سیم با دصا دوشم آگهی آورد  
که روز محنت و غم رویه کوتاهی آورد  
با نهایت افتخار مقدم مبارک لایقترین  
و فداکارترین فرزندان ایران، دکتر مصدق  
نخست وزیر محبوبمان را که از سیمای  
نورانیس انوار وطن پرستی ساطع و  
هویدا است و با حالت بیعاری وضع مزاج  
منافرت طولانی را برای دفاع از حقوق  
ملت ایران قبول فرموده و به همه ما نوید  
موفقیت و پیروزی می دهد. از طرف عموم  
هموطنان عزیز خا منهای خیر مقدم عرض  
می کنم. همه یقین داریم که آتش وطن  
دوستی و حق پرستی که در سینه ایرانیا ن  
شعله و راست هر منگلی را در آسین راه  
خواهد سوخت و ملت ایران به حق مسلم خود

خواهد رسید.

صبح امید که بد منتکف برده غیب  
گوبرور آی که کار سب تا آخرت ...  
بعد، دکتر مصدق صحت معمل بسیار عالی  
کرد و به همه ابرار رحمت کرد. آتش شور و  
شوق در چشم همه می درخشید. هر کس خواست  
دست او را بوسد یا تان روی او را بوسد.  
هر کس کارت و عکس امضاء شده خواست  
فوراً نوشت. برای همه تعظیم کرد و همه  
را نوازش کرد. بالاخره رفتیم برای صرف  
چای. قدری ماند و بعد رفت ...  
شور و هیجان و استقبال ایرانیا ن از  
حجت الاسلام خا منهای را هم دیدیم و  
شنیدیم که از چه قرار بود.  
کسی که بعنوان نماینده و سخنگوی ملتی  
به یک مجمع جهانی می رود قبل از هر چیز  
باید اعتبار نامه موقف از طرف آن ملت  
داشته باشد. وقتی ایرانیا ن اعم از دست  
چپی و دست راستی و سلطنت طلبان یا  
جمهوری خواه، در مقابل عمارت سازمان ملل  
جمع می شوند تا تنفر خود را از کسی که  
ظاهراً "آمده است به نمایندگی از ملت  
ایران سخن بگوید اعلام دارند، کی برای  
چنین آدمی تره خرد می کنند و به حرفش  
اهمیت می دهد؟  
شرکت روی سای دول در جلسات شورای  
امنیت با مجمع عمومی سازمان ملل به  
شرطی ضرورت پیدا می کند و منشاء اکثر  
واقع می شود که با شخصیت فردی آنها  
اذهان و افکار جهانیا ن را جذب کند یا  
حرفی که میخواهند بنزد و بپایا می که با  
خود دارند.  
حجت الاسلام خا منهای که یک از این دو  
شرط را حاشیو کرد رفتنش به نیویورک و  
سخن گفتنش در مجمع عمومی سازمان ملل  
ضرورت پیدا کرد؟  
شخصیت والای جهانی حجت الاسلام برای  
اهل عالم جا بده داشت یا روضه خوانی او؟  
چه چیزی این آقای حجت الاسلام برای  
گفتن داشت که همان رجا ئی خا منهای  
حدا کثر، علی اکبر ولایتی نمیتوانستند  
بگویند؟  
یک بار آیت الله خمینی محمد علی رجائی  
را به مجمع عمومی سازمان ملل فرستاد  
تا بای خود را برهنه کند و روی میسر  
بگذارد. این بار هم لازم دانست سید  
علی خا منهای را بفرستند تا در مجمع  
عمومی روضه بخواند.  
آن مرتبه، آقای رجائی از حبس و شکنجه  
زمان شاه سخن می گفت در حالی که  
دست های خودش تا مرفق به خون مردم  
آغشته بود و همه میدانستند که رژیم  
آیت الله در شکنجه و بیداد دوسرکوب و  
اختناق و کشتار گروهی، دست تمام رژیم های  
سرکوبگر و شکنجه گرا را زبشت بسته است.  
این مرتبه نیز آقای خا منهای روضه  
مظلومیت خوانند در حالی که همه میدانستند  
آتش فتنه و فساد و جنگ و ویرانی زگور  
خمینی و خا منهای و دیگر همدستان آنها  
زبا نه می کشد!

# به کارگردانی اسرائیل

بقیه از صفحه ۱

عربی است و سطح سیاسی آن بسیار  
گسترده تر - دست کم ما دام که مصر قرارداد  
صلح جدا گانه با اسرائیل امضا نکرده  
بود چنین بود، نیز این نزاع تاکنون  
به وسیله چهار جنگ خونین مشخص شده  
است: ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳. نه تنها  
هنوز هیچ توافق میان اسرائیل و  
جهان عرب که تضمین کننده همزیستی  
در ازمذت آنها باشد بدست نیامده،  
بلکه مسأله فلسطین نیز که در واقع  
علت اولیه درگیری اسرائیل و جهان  
عرب بوده است، همچنان به قوت خود  
باقی است.  
برای اسرائیل بسیار مهم بود که بتواند  
با مصر به قرارداد جدا گانه صلح دست  
یا بدو بدین ترتیب توان یک جنگ  
تازه علیه خود را از اعراب سلب کند.  
لیکن این به هیچ وجه به معنی صلحی  
پایدار با اعراب نیست. خاک های  
عربی در اشغال اسرائیل است و تاکنون  
پیروزی های نظامی که اسرائیل  
بدست آورده، بیدانجا نتیجه است که  
اعراب به قرارد صلحی که بین اشغال را  
بپذیرد تن در دهند.  
دولت های یگوناگون اسرائیل البته  
تلاش بسیار کردند تا پس از مصر، اردن و  
لبنان را به پای میز مذاکره صلح بکشاند،  
ولی موفق نشدند. مرزهای جنوبی  
اسرائیل هنوز مرزهای ایمنی نیست و به  
دلیل آن که اسرائیل دارای یک "عمق  
استراتژیک" نیست، مرزهای ایمن برای  
آن بیشتر جنبه سیاسی پیدا می کند. اگر  
اسرائیل حاضر می شد در برابرشنا سازی  
سیاسی از سوی اعراب، خاک آن ها را به  
آنها واگذارد، مسائل در مسیر حل شدن  
قرار می گرفت، ولی هم خاک و هم شناسایی  
چیزی نیست که اعراب بتوانند زیر بار  
آن بروند. با این همه این سبب نشده  
است که اسرائیل، یا دست کم گرایش  
نیرومندی سیاسی در آن، از تلاش در این  
راه دست بردارد.  
همان قدر که در سیاست، زمان بسیاری  
مسائل را حل می کند، اسرائیل امیدوار  
است که گذشت زمان اشغال خاک عربی  
را به صورت داده های تاریخی در آورد  
و قضا یا از حالت کشمکش سیاسی روزیدر  
آید.  
جنگ جمهوری اسلامی با عراق ظاهر  
این فرصت را برای اسرائیل فراهم  
آورده است. کیسینجر گفته بود حیث  
که این جنگ نمی تواند دوبار زنده  
داشته باشد. همدینا او در ارض موعود  
دچار این آرزو - اندیشی  
( WISTHFUL THINKING )  
نشده اند. می گویند جنگ هر چه بیشتر  
ادا میابد بهتر. در نتیجه از هیچ  
وسله ای برای ادا مه جنگ یا دست کم  
جلوگیری از صلح فروگذار نمی کنند.  
هیچ ضرورتی وجود ندارد تا آنجا پیش  
برویم که رژیم آیت الله خمینی را یک

رژیم صهیونیست بنا میم، ولی پرسش  
این است: اگر رژیم آیت الله خمینی  
براستی صهیونیست بود، در جنگ سیاسی  
جزا بین در پیش می گرفت که امروز در پیش  
گرفته است؟  
پیروزی نظامی آیت الله در جنگ غیر  
ممکن است، ولی ادا مه جنگ اگر نه بیست  
سال دست کم یکی دو سال دیگر برای آن  
ممکن است. مگر این که شورای امنیت  
سازمان ملل متحد و خا منهای دولت عضو  
دائمی آن، چاره ای جدی برای پایان  
دادن به آن بینندیشند.  
البته اسرائیل دلایل کافی در داتانشان  
دهد در برابر نگیزختن خصومت های جنگی  
هیچ سهمی نداشته است. ولی سیاستمداران  
چون آریل شارون از روی بی خیالی  
نمی گویند که ادا مه جنگ را به سود  
اسرائیل می دانند. در این برداشت  
هنوز هیچ تغییر بنیادی مشاهده نمی  
شود.  
فقط در لفظ نیست که می توان حمایت  
اسرائیل را از ادا مه جنگ دید. پیسدا  
کردن ردا سلاحها ئی که اسرائیل، چه خود  
و چه به واسطه خود، به جمهوری اسلامی  
رسانده، اسلا" دشوار ریای ندارد. خاصه  
پس از روشن رسوا ئی "ایران نگیت" که  
در آن دولت اسرائیل و ماء موران آن از  
با زیگران عمده بودند.  
\*\*\*  
آشپزهای آستینها را با لایزه بود ...  
و خوراک چنان پخته شده بود که نمی  
توانست اشتها ی حکومت ایالات متحده  
را تحریک نکند: آزادی گروگانهای  
آمریکائی از اسارت حزب الله در  
لبنان، رساندن کمک به مخالفان  
حکومت نیکارا گوشه به رخمان که کنگره  
آمریکا هنوز آن را تصویب نکرده بود،  
اینها همه در عرض سلاحها ئی که جمهوری  
اسلامی برای ادا مه جنگ بدان نیاز  
دارد را زاینها گذشته، راهگشا ئی برای  
به اصطلاح "میانبروها ئی" که می توانند  
پس از مرگ خمینی حکومت را در ایران  
بدست گیرند و مانع از آن شوند که  
کابوس کمونیسم در ایران روه یای  
ایالات متحد را برآورد.  
فیلمنامه تنظیم شده در "استودیو  
اسرائیل"، بسیار ما هرا نه تهیه شده بود،  
اما فیلم به اندازه کافی با زیگرنداشت  
واگر هم داشت، با زیگران دستورهای  
کارگردان را اجرا نمی کردند. چنین بود  
که اسله، به میزانی که هنوز معلوم نیست،  
به دست پاسداران رژیم اسلامی رسید،  
پول آن هم، با زبه میزانی که هنوز  
معلوم نیست، به دست مخالفان حکومت  
نیکارا گوشه رسید، دو گروگان آمریکائی  
که البته رزش معاملاتی چندانی  
نداشتند، آزاد شدند. اما حکومت آمریکا  
برای آن که آدمهای میانبروهی در رژیم  
تهران پیدا کند، هر چه بیشتر جست  
بقیه در صفحه ۱۱

## ایران و خاورمیانه



در مطبوعات بین المللی

## سیلی خانم تا چر به گونه خمینی

خانم تا چر، نخست وزیر بریتانیا نیا روز چهارشنبه ۲۳ سپتامبر دستور داد دفتر خریدهای اسلحه جمهوری اسلامی در لندن که یکی از مراکز اصلی تهیه اسلحه برای رژیم تهران بود بسته شود. این تصمیم پاسخی به حمله روز ۲۱ سپتامبر جمهوری اسلامی به یک نفتکش انگلیسی در خلیج فارس بود.

روزنامه لوموند در این باره می نویسد: خانم تا چر به حمله روز ۲۱ سپتامبر سپاه پاسداران به یک نفتکش انگلیسی پاسخی محکم داد اما در جایی که کمتر از همه انتظار آن میرفت.

بسیاری از نمایندگان حزب محافظه کار انگلستان خانم تا چر را به تقویت حضور نیروی دریایی انگلیس در خلیج فارس تشویق می کردند اما وی ضربه را در جای دیگری وارد کرد. در خود لندن، دفتر خریدهای اسلحه جمهوری اسلامی را که سه طبقه از یک ساختمان نوساز در مرکز لندن را بخود اختصاص می داد تعطیل کرد.

آخوندزاده، کاردار جمهوری اسلامی در لندن اندکی پس از پایان سخنرانی "سرجفری ها" وزیر امور خارجه انگلیس در سال زمان ملل، به وزارت امور خارجه حاضر شد و به ابلاغ گردید که دفتر خریدهای اسلحه در خیابان ویکتوریا بایدکاملا به فعالیت خود خاتمه دهد و دستور دادی تن نظامی ایران شافل در این دفتر که به قیافه بازرگانان در آمده بودند تا ۸ اکتبر انگلستان را ترک گویند.

این دفتر به طور رسمی وجود خارجی نداشت و به طریقی نیمه مخفی کار میکرد. ساختمان مذکور به طور رسمی محل دفاتر شعبه شرکت ملی نفت ایران در لندن است.

ظاهرا حدود ۷۰ درصد خریدهای اسلحه جمهوری اسلامی در خارج از طریق این دفتر لندن انجام میگرفت. شبکه تلوویزیونی مستقل انگلستان "آی. تی. وی" از مبلغی معادل ۵ میلیارد پوند انگلیسی خرید اسلحه از ابتدای جنگ تا بحال سخن میگوید.

این دفتر، مرکز خرید اسلحه در تمام اروپای غربی، آمریکا و شایدا اسرائیل بود. مقامات انگلستان بنا به دلایل اقتصادی فعالیت های این دفتر را نادیده می گرفتند. ( زیرا شرکت های انگلیسی نیز از این معاملات بی نصیب نبودند) و از سوی دیگر انگلستان بدین ترتیب میتواند فعالیت را که از

## زمان به بود خمینی

## گردش نمی کند

تفاها در جمهوری اسلامی از نو آشکار شده است. در ایران، مانند همیشه، مقتضیات استراتژی داخلی به همان اندازه وقایع خارجی از اهمیت برخوردارند. از نظر نظامی و دیپلماتیک اوضاع به نفع جمهوری اسلامی نیست: نیروهای جمهوری اسلامی درجا میزنند و از حمله سرنوشت ساز خبری نیست. وقایع خونین مکه همه مسلمانان جهان را حیرت زده ساخت. در سال زمان ملل که شورای امنیت در آن باتفاق آرا خواستار آتش بس فوری شده است، دوستان جمهوری اسلامی انگشت شمارند. اوضاع داخلی رویه و خامت میروند. زندگی روزمره جز برای کسانی که از جنگ بهره مند میشوند غیر ممکن شده است. یک شخصیت غربی که هیچگاه روابط خود را با ایران قطع نکرده است می گوید: رژیم در بین مردم تحقیق می کند و از آن به لب رسیدن مردم آگاه است و در نتیجه، خطرات سیاست افراط گرای را میداند. "اتفاقا" هاشمی رفسنجانی اخیرا اظهار داشت: تلفات سنگین جنگ ممکن است مستضعفین را دلسرد کند. و یک کارشناس میگوید: ادامه جنگ به هر قیمت خطر سقوط جمهوری اسلامی را در پی دارد.

همه میدانند که جمهوری اسلامی بهائی گرا فبرای جنگ تعیین کرده است. البته تهران دیگر از سقوط صدام حسین رئیس جمهوری عراق که نیروهایش را به تسخیر ایران فرستاد سخن نمی گوید، ولی خواستار نشناخته شدن مسئولیت عراق در آغاز جنگ است. سرختمی خمینی با عناد ادامه جنگ شده است. علاوه بر قربانیان جنگ که شمار آنها به صدها هزار میرسد، جنگ به ویرانی دوشهر بزرگ ایران، آبادان و خرمشهر، منجر شده و ولی دومین پالایشگاه نفت جهان را داشت و دومی بزرگترین بندر ایران بود.

حجت الاسلام های جمهوری اسلامی نمی توانند هر چیزی را به خورد افکار عمومی بدهند بخصوص به آنها که از دور و نزدیک با جنگ ارتباط مستقیم داشته اند: مثل خانواده های شهدا، بسیجی ها و بالخصوص پاسداران. پاسداران با جنگ، برای خدا استقلال کسب کرده اند که موجب نگرانی رهبران جمهوری اسلامی شده است. برخورد های بین رفیق دوست، وزیر سپاه و رضائی فرمانده سپاه رخ داده است. درباره ای شهرها پاسداران از کنترل مقامات دولت خارجند، اما به گفته یک کارشناس، پاسداران میدانند که ساعت افتخار آنها سپری شده است.

روزی که مذاکرات صلح آغاز شود، این جناح جنگ طلب مقامت خواهد کرد. برای خنثی کردن این مقامت رهبران جمهوری اسلامی باید اذهان سردم را راضی کنند و این تنها با تنبیه متجاوز ممکن به نظر می رسد.

با توجه به سخنان شدیدالحن خامنه ای و تهدیدهای وی از پشت تریبون سال زمان

ملل، این سناریو به نظر عجیب میرسد اما اعمال جمهوری اسلامی به ندرت با سخنان رهبران آن مطابقت دارد و ما برای مکن نشان گر آن بود، به گفته یک کارشناس دیگر زمان به نفع جمهوری اسلامی نیست. باید از این پس ناراضی عمومی و فلج ماندن تصمیم گیری رهبران را در نظر داشت. فیگارو - چهارشنبه ۲۳ سپتامبر ۸۷

## انبار باروت

خلیج فارس اکنون یک انبار باروت است. حضور انواع کشتی های جنگی به مسدود شدن دریا در یک منطقه، این خطر را دارد که سر نشینان آن ها میل پیدا کنند آنچه را آموخته اند و بخاطر آن آموزش دیده اند به مرحله عمل در آورند. مثل انگشتی که مدت ها روی ما شهباب برود برای رفع خواب رفتگی باید آن را حرکت داد.

بی انضباطی جمهوری اسلامی برای این استراتژی بحران نامی میزند. پاداران انقلاب عادت کرده اند به جای اجرای دقیق دستور ها آن ها را به میل خود تعبیر و تفسیر کنند.

قایقی که به سوی نفتکش بریتانیا نشی آتش گشود چه ماه موریته داشت؟ کشتی ایرانی که در کمتر از صد کیلومتری آبهای شمال بحرین در آبهای بین المللی مشغول مین گذاری بود چه ماه موریته داشت؟

در مقابل، هلیکوپتر آمریکا که به سوی کشتی جمهوری اسلامی آتش گشود از فرماندهی ناوگان آمریکا دستور داشت. حتی اگر این اقدام را اقدامی دفاعی و در نتیجه قابل توجه بدانیم در حال عملی بسیار خطرناک است. زیرا این نخستین باری است که آمریکا، غرب، با خطر بین المللی کردن جنگ جمهوری اسلامی و عراق، با جمهوری اسلامی مقابله می کنند.

در حال، به نظرمی رسد که هر دو طرف در حال سرعت گرفتن هستند. غربی ها به وسیله ریگان و ایرانی ها بوسیله پاسداران انقلاب که در حالی که دولتشان سوگند می دهند که دست از سلاح است و مشغول مین جمع کردن، در آبهای خلیج فارس به مین گذاری و حمله می پردازند: کدام یک را باید بیشتر محکوم کرد: بی مسئولیتی متعصبان جمهوری اسلامی یا خشونت آمریکا را؟

منافع این اقدام از نظر داخلی برای ریگان قابل فهم است. از یک سو در حال که با شوروی به مذاکرات صلح مسلح پرداخته است و نشان می دهد که در مقابل حسن نیت، حسن نیت به خرج می دهد. با بدی را با بدی پاسخ میگوید و بدی را تنبیه می کند.

این "صلح آمریکا" فرانسه، بریتانیا، هلند و بلژیک، ایالات و تمام کسانی که برای حفاظت از کشتی های بازرگانی خود به خلیج فارس رفته اند در محظور قرار میدهد. خشم آیت الله در نهایت است و سپاه پاسداران با چند شهید دیگر برای عملیات انتحاری آماده.

لومتن - چهارشنبه ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۷







دوشنبه ۲۳ شهریور

پرزده کوئینا در دیدار با صدراعظم حسین رئیس‌جمهوری عراق نتایج مذاکرات خود در تهران را به آگاه‌های وی رساند.

سه‌شنبه ۲۴ شهریور

احمد طرابلسی برای هیئتی وزیر خارجه الجزایر که به دعوت علی اکبر ولایتی به تهران رفته است صبح مروزی ولایتی دیدار و گفتگو کرد. قرار است وی سپس از مبنی‌داد، کویت و ریاض شود. به گفته محافل سیاسی طالب ابراهیمی به لزوم پایان یافتن جنگ و پذیرش قطعنامه آتش‌بس شورای امنیت تا یکدیروز زنده است. تا وگان نظامی ایتالیا عصر امروز از بندر تارنته واقع در ایتالیا عازم آب‌های خلیج فارس شد.

مجلس شورای اسلامی لایحه تحویل یک میلیون تن دیگر نفت رایگان را به سوره تمویب کرد. براساس این لایحه یک میلیون تن دیگر نفت از ران در اختیار سوره قرار خواهد گرفت.

چهارشنبه ۲۵ شهریور

پرزده کوئینا صبح مروزی ز سفر ۴ روزه خود به تهران و بغداد، به نیویورک با گذشت طی جلسه محرمات نه‌ای گزارش سفر خود را به آگاه‌های ۱۵ عضو شورای امنیت رساند.

خبرگزاری فرانسه گزارش داد که مقامات جمهوری اسلامی، در سفر کوئینا به تهران، به‌ویژه پیشنهاد آتش‌بس دو مرحله‌ای داده‌اند. در مرحله نخست، پس از تشکیل یک کمیته بیطرف ویژه برای معرفی آغاز جنگ آتش‌بسی غیررسمی برقرار خواهد شد و در مرحله دوم پس از اعلام آغاز جنگ، جمهوری اسلامی آتش‌بس رسمی را خواهد پذیرفت.

عراق اعلام کرد که امروز میدان‌های نفتی کرج و باغ ملک و یکی از اسکله‌های پایانه نفتی خاگر و یک هدف بزرگ دریایی را در نزدیکی سواحل ایران بمباران کرده است. عراق در بیانیه‌ای نظامی خود اعلام کرد که در طی این عملیات ۵۹۸ تن از امنیت آسوی جمهوری اسلامی و پافشاری رژیم تهران در ادامه جنگ، حملات خود را علیه شهرهای ایران بویژه عیلات تا عیلات ادامه می‌دهد و نظامی ایران از سرخواهد گرفت.

پنجشنبه ۲۶ شهریور

هوایپماهای عراقی امروز در حوزة نفتی در جنوب غربی ایران و دو کارخانه سازنده تجهیزات نظامی را در نزدیکی اسفهان بمباران کردند.

جمهوری اسلامی اعلام کرد که در منطقه مندلی واقع در جبهه مرکزی دست به هجوم جدیدی علیه عراق زد. براساس بیانیه نظامی بغداد، گلوله‌ها با ران شهر بصره توسط توپخانه جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد.

پانزدهم آذر ماه پس از دیدار وزیر خارجه الجزایر با پیمای ویژه زوسی حافظ اسد وارد تهران شد.

جمعه ۲۷ شهریور

هوایپماهای عراقی امروز حوزة نفتی اردشیر در خلیج فارس، اسکله شرقی خاگر، حوزة نفتی بهرگان، جزیره لاوان و یک نفتکش عظیم را در نزدیکی سواحل ایران بمباران کردند.

در ساعت ۱۲ امروز یک هواپیمای متعلق به ناوگان آمریکا در خلیج فارس طی مأموریت روزمره در شمال دریای عمان سرنگون شد.

وزیر خارجه کویت در دیداری غیرمنتظره به رییس‌جمهوری و وزیر خارجه فرانسه دیدار و گفتگو کرد. به گفته منابع مطلع موضوع اصلی این دیدار جنگ جمهوری اسلامی و عراق و وضعیت خلیج فارس بوده است. وزیر خارجه کویت در بیانیه‌ای نسبت به امکان موفقیت مأموریت صلح پرزده کوئینا را بسیار بدبینی کرد.

شنبه ۲۸ شهریور

تلویزیون کانال یک فرانسه در برنامه خبری ساعت ۱۳ امروز خود مصاحبه‌ای با یک عضو هیئت‌رئیس‌جمهوری فرانسه که اخیراً به آلمان فرار کرده است بخش کرد. وی که خود را مصطفی و عضو گروه مهددی هاشمی معرفی می‌کرد، به افشاگری عملیات تروریستی جمهوری اسلامی در اروپا پرداخت و گفت که تهران در کنار ستاد عملیات تروریستی جمهوری اسلامی در اروپا است که توسط علیرضا شیرمحمدی دبیرکات جمهوری اسلامی اداره می‌شود. وی گفت که جمهوری اسلامی با جاسازی کردن مواد منفجره و اسلحه در دست و پا و با نسیج‌های مجروحان جنگ که به خارج اعزام می‌کند، تجهیزات لازم را به اروپا می‌فرستد. وی فاش کرد که شاه آلمان یک میلیون مارت برای عملیات تروریستی در اختیار خواهد کرد. وی گفت که شاه آلمان یک میلیون مارت برای عملیات تروریستی در اختیار خواهد کرد. وی گفت که شاه آلمان یک میلیون مارت برای عملیات تروریستی در اختیار خواهد کرد.

هوایپماهای عراقی تلمبه‌خانه زانه را که نفت تهران را تا عیلات مین می‌کشد بمباران کردند. تلمبه‌خانه‌های یک و دو در زمان واقع در ۲۵ کیلومتری مرز دو کشور نیز بمباران شد.

منابع دریایی خلیج فارس تا شنبه گذشته که شب گذشته یک نفتکش سوئدی قهری که در آره جمهوری اسلامی بود در شمال خلیج فارس هدف یک موشک اگزوست هوایپماهای عراقی قرار گرفت و آسیب دید.

یکشنبه ۲۹ شهریور

به گزارش لویدژلندن امروز یک نفتکش سوئدی در خلیج فارس مورد حمله قرار گرفت ولی خسارات سنگینی به آن وارد نشد.

در پایان مهلتی که آسوی جامع به عرب‌جمهوری اسلامی برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت داده شده بود، وزیران خارجه معه عرب در تونس گرد هم آمدند ولی به‌موضع مشترک در قبایل جمهوری اسلامی دست نیافتند و در نتیجه از سران کشورهای عرب خواستند تا جلسه فوق‌العاده‌ای به این خاطر تشکیل دهند.

روزنامه مدیلی تلگراف نوشت که تن افغانی و چند نفر ایرانی به اتهام شرکت در یک موشک‌گذاری در پاکستان دستگیر شدند.

یک ایرانی مخالف رژیم خمینی به نام نیوشا فرهی در تظاهرات علیه جمهوری اسلامی در لوس آنجلس دست به خودسوزی زد و در حالت سوختگی وخیم به مرکز درمانی دانشگاه کالیفرنیا منتقل شد.

وزارت صنایع فرانسه اعلام کرد که فرانسه از تاریخ ۶ اوت تا سال خرید نفت از جمهوری اسلامی را قطع کرده است.

چهل و دومین اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل امروز آغاز شد. رئیس‌جمهوری آمریکا در سخنرانی خود در این اجلاس از ملی‌گرایان نیز برای شرکت در این اجلاس به نیویورک رفته است خواه است با سخ صریح جمهوری اسلامی را به قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت اعلام کند. ریگان گفت چنانچه تهران این قطعنامه را نپذیرد، شورای امنیت باید به فوریت اقداماتی برای اجرای مفاد قطعنامه به عمل آورد.

یک هواپیمای مسافربری بوئینگ ۷۴۷ جمهوری اسلامی که در فرودگاه فرانکفورت آسوی پلیس آلمان متوقف شده بود سرانجام از زانه پرواز یافت.

امروز ازنا در استان لرستان، ۱۲ نفر کشته و ۴۸ نفر زخمی شدند. براساس همین گزارش هواپیمای عراقی چندواحد صنعتی را نیز در کرمانشاها بمباران کردند.

یک کشتی جمهوری اسلامی که به گفته دولت آمریکا در حال مین‌گذاری آب‌های خلیج فارس بود در حدود ساعت ۱۱ امشب مورد حمله یک هلی‌کوپتر نظامی آمریکا قرار گرفت و به آتش کشیده شد. ۴۰ سرنشین کشتی کشته شدند و ۲۶ تن از آنها از جمله ۴ مجروح که در قایق‌های نجات سوار بودند توسط کشتی‌های آمریکایی از آب گرفته شدند. در این کشتی ده مین کشف شد. به گفته مقامات آمریکا این کشتی "ایران اجر" قبل از حمله ۶ مین نیز به آب انداخته بود. جمهوری اسلامی اعلام کرد که این کشتی غیرنظامی و حامل مواد غذایی بوده است.

علی‌خامنه‌ای در نطق خود در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با اشاره به واقعه مذکور گفت این حادثه آغاز ماجراهایی و خمینی است که عواقب آن به منطقه خلیج فارس محدود نخواهد شد. وی آمریکا، شورای امنیت، عضویت دائم ۵ کشور بزرگ در این شورا و حق وتوی آنان را مورد انتقاد قرار داد و شورای امنیت را "کارخانه کاغذسازی" خواند. وی با سخنی به قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت نداد.

چهارشنبه یکم مهر

دولت انگلستان دفتر خرید اسلحه جمهوری اسلامی را در لندن تعطیل کرد و به سی نفر کارمند آن ۱۵ روز فرصت داد تا کارهای خود را ترک کنند.

وزیر خارجه شوروی طی سخنرانی خود در سازمان ملل، نگرانی شوروی را از خطر بالا گرفتن جنگ در خلیج فارس به دلیل حضور فزاینده نیروهای نظامی در این منطقه را یادداشت و از همه کشورهای متمرکز در منطقه خواست تا رشدهای خود را حفظ کنند. وی ضمن آن که خواستار اجرای آتش‌بس فوری و تشکیل کمیسیون‌های برای تعیین مسئول جنگ جمهوری اسلامی و عراق شد. پیشنهاد کرد که نیروی بین‌المللی برای حفاظت از آزادی کشتیرانی، در خلیج فارس مستقر شود.

پنجشنبه دوم مهر

سخنگوی وزارت خارجه شوروی گزارش‌های مطبوعات کشورهای عرب را مبنی بر فروش جنگ افزار به جمهوری اسلامی تکذیب کرد و اظهار داشت شوروی هیچ‌گونه اسلحه و تکنولوژی نظامی در اختیار رژیم تهران قرار نداده است.

عراق اعلام کرد که پیماهای آن کشور نیروگاه برق سد زرا بمباران کردند.

به گزارش لویدژلندن یک کشتی کوچک تحقیقاتی با نامی که آسوی کویت بود، برای شرب خوردن مین در خلیج فارس غرق شد.

سخنگوی وزارت خارجه ژاپن اعلام کرد که ژاپن آماده است در تمام مین هزینسه اعزام نیروهای سازمان ملل به خلیج فارس که آسوی شوروی پیشنهاد داده است شرکت کند به شرط آن که این پیشنهاد دبه اتفاق آراء در سازمان ملل

سخنگوی وزارت خارجه ژاپن اعلام کرد که ژاپن آماده است در تمام مین هزینسه اعزام نیروهای سازمان ملل به خلیج فارس که آسوی شوروی پیشنهاد داده است شرکت کند به شرط آن که این پیشنهاد دبه اتفاق آراء در سازمان ملل

شورای نهضت مطبوعات ملی ایران

بقیه از صفحه ۱

ندید، که بیشتر شد. همه به حرفهای ما رسیدند و سایر حوادث و وقایع صحبت نظرهای ما را تا به بید کرد.

پس از پایان سخنان دکتر بختیار، شورا وارد دستور شد.

آقای احمد میرفندرسکی به تجزیه و تحلیل تحولات جنگ ایران و عراق و وضعیت خلیج فارس پرداخت و بر لزوم روزافزون سیاست خمینی تا به کید کرد.

در قسمت بعدی، رئیس هیئت اجرایی درباره مسائل داخلی نهضت و وضعیت مالی و تشکیلاتی گزارش به شورا داد.

در بخش بررسی سیاست جدید درون مرزی، رهبر نهضت و مسئولان مربوطه توضیحات لازم را به شورا دادند.

آنگاه شورا به بحث آزاد پرداخت و جلسه در ساعت ۱۹ پایان یافت.









نامه سرگشاده

به سلطان و درویش

جریده شریفه قیام ایران، میگویند کدا را که رومیده، ما حیخانیه می شود. بنده ادعای ما حیخانگی ندارم ولی مهمان کمرویی هم نیستم، حالا که دونا مه سرگشاده بنده را درج کردید، نه تنها سومی را خدمتتان میفرستم، بلکه پیشنها دمی کنم که در سر لوحه "صفحه نامه‌ها و نظرها" این کلام فیلسوف بزرگ، ولتر، را نقش کنید:

"با آنچه میگوئی سخت مخالفم، اما تاپای مرغ ایستاده ام که حق گفتنش را داشته باشی"

Je désapprouve tout à fait ce que vous dites, mais je défendrai jusqu'à la mort votre droit de le dire.

VOLTAIRE

تا اولاد درس تحمل عقاید دیگران به افرا دنا محتمل بدهد و تانیا "خرده گیران، نظری را که بنده و امثال بنده اسرار می کنیم، الزما" به حساب شما نگذارند.

با احترام  
آواره\* محفوظ الامضاء



یکی از شماره های اخیر قیام را که خوانده بودم، دوباره مرور می کردم. در شرح محاکمه دکتر مصدق در دادگاه تجدید نظر نظای می، چشم به این کلام مصدق افتاد که گفته بود: من پادشاهی می خواهم که اگر خراجی گفت برو، بگوید من پادشاه این مملکت و هیچ کجا نمی روم.

ذهنم به خاطر طرات محمدرضا شاه در کتاب پاسخ به تاریخ برگشت، آنجائی که می گوید: همه اصرا رسولیوان و ژنرال هویزر این بود که ساعت حرکت مرا بدانند.

در عالم خیال یک صحنه خیالی - خیال اندر خیال - را مجسم کردم که سفیر و ژنرال امریکائی در دفتر کارشاه در کاخ نیاوران روی روی او نشسته اند و میگویند:

- اعلیحضرتا، کی حرکت می کنید؟ لطفا ساعت حرکتتان را به ما بفرمائید!

و محمدرضا شاه جواب میدهد:  
- آقای سولیوان، آقای ژنرال، من پادشاه این مملکت و هیچ کجا نمی روم. چه صحنه با شکوهی میتوانست باشد، از

تاب نام با تسمی از نامه ها و سینه های حواسدگان کرامی فقط برای منع کردن نظریات و عقاید و برداشت های نخبی نویسندگان نامه ها است و لزوماً به معنای موافقت و هم راهی ارگان مرکزی بهمت مقاومت ملی ایران با مفاد همه این نوشته ها نیست. از نویسندگان نامه ها تقاضا می کنم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود نام او را درون نامه شان محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه های که در آن ها نسبت به انتخابی و گروهی هتک حرمت شود و یا عفت و بزرگواری قلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه ها از ماست.

سرکاری آورد که گروه حاکم را قلع و قمع میکند، بکنار. دردنیای حاضر و درقرن ما، چرا این اتفاقات دردناک برای پادشاه انگلیس و پادشاه سوئد و پادشاه بلژیک نمی افتد؟ این سرنوشت شوم چرا بر سر ما سایه انداخته است؟

در این "تاریخ با زی" که سرگرمی من شده است، ضمن مرور بردوران مورد بحث به نکته غم انگیز دیگری هم برخوردیم: با زلزله زلزله گذشته تا امروز کمترین پادشاهی را در مملکت ما نمی بینیم که دستش به خون و زیری آلوده نشده باشد. محمدرضا شاه را که میرزا ابوالقاسم قائم مقام فرانسوی وزیر اعظم خود را خفه کرد. ناصرالدین شاه میرزا تقی خان امیر کبیر صردرا عظم خود را به وسیله حاجی علیخان مقدم مراغه ای، رگ زد.

محمدعلی شاه علاوه بر زلزله های نسی که در باغ غنچه کشت، به موئی بسته بود که نا صرا لملک همدانی، رئیس الوزرا پیش را هم طناب بیندا زد:

وقتی ناصرالملک را به باغ غنچه حاضر کرد ابتدا دستور داد "قهوه قجری" برایش آماده کنند، بعد تصمیمش را عوض کرد و دستور داد او را طناب بیندا زند و خفه کنند. ضمناً "برای اینکه از مشروطه خواهان چشم زهره ای بگیرد، دستور داد عکاس دربار را حاضر کنند که از ناصرالملک در لحظه خفه شدن عکس بگیرد. از بخت بلند رئیس الوزرا، آمدن روسی خان" عکاس دربار، مدتی طول کشید و این میان خبر به سفارت انگلیس رسید و شاه را شرمدا خله چرچیل، دبیر شرقی سفارت، ناچار طناب را از گسردن ناصرالملک باز کرد.

رضا شاه پهلوی وزیرانش، تیمورتاش و سردار اسعد را در زندان زهر داد. محمدرضا شاه دکتر مصدق، نخست وزیر را زندانی و دکتر قاضی و وزیر خراج را تیرباران کرد.

(این پرا نتر را با زمینکم که یکبار به جان من نپرند که در این مورد آخری، به حکم دادگاه نظامی قاضی، به ریاست تیمسار قزلانی و دادستانی تیمسار قزلانی، وزیرکش شد، که این شوخی زشت را کسی باور نمی کند و آن قاضیان را، در نردبان شتون، بالاتر از زپله حاجی علیخان رگ زن نمی نشاند.)

تنها در این میان مظفرالدین شاه و احمدشاه که از جاربودند که دستشان به خون و زیری آلوده نشد. محاسبه قابل تامل و تفکر انگیز است: با زهفت پادشاه، اکثریت، یعنی هپا پادشاه وزیر کشی کرده اند.

فکر نکنید که من میخواهم الزاماً "تقارنی بین این نکته و آن نکته برقرار کنم و دست انتقام طبیعت را به میان بکشم. نه، چنین نظری ندارم. زیرا از آن زمانی که ناصرالدین شاه امیر کبیر را رگ زد، تا وقتی با گلوله میرزا رضای کرمانی از دنیا رفت، نیم قرن فاصله افتاد که طی آن شاهنها بیت عیش و عشرت ممکن و مقدور را کرد و انتقام بعد از ۵۰ سال، اسمش انتقام نمی شود. از طرف دیگر اگر طبیعت چنان دست پر قدرتی داشت،

با پیدمان موقع که حاجی علیخان مقدم می خواست رگ امیر کبیر را بزند، پشت دستش میزد و مانع میشد.

نه، ابتدا "دست انتقام طبیعت را مداخلة نمی دهد ما بهر حال باید رابطه ای بین وزیرکش و غریب مرگی شاه شده عقل من به آن نمی رسد.

حالا عرض بنده به همه، از بزرگ و کوچک و سلطان و درویش این است که: دنیا از آدمی مثل ایدی امین دادا، رئیس جمهوری اسبق اوگاندا، که وزیر خراجهاش را به خورد سوسما رهای دریچه ویکتوریا داد یا از آیت الله خمینی که "حیات" را در چشم در آوردن و دماغ بریدن و گردن زدن میداند و شروع شادمانی اش با "ت" "اقتلوا" شروع میشود، توقعی ندارد. اما زما، مدعیان میراث فردوسی و خیام حافظ و سعدی، توقع انسانیت و تمدن دارد.

ما شاگردان مکتب سعدی، یا لاقلم مدعی آنیم، که میفرمود:

عاقبت از ما غبارماند ز نهار  
تا ز تو برخاطری غبارماند

بیا شیم با خودمان عهد ببندیم که اگر از ورطه بلای امروزی جستم، طوری زندگی کنیم و وضع و احوالی فراهم بیاوریم که هر جور شد و هر رژی می را که اختیار کردیم، چه سلطنتی و چه جمهوری، رژیم متمدنی باشد که در آن از یک طرف، رسم و سوزیر کشی منسوخ شود و از طرف دیگر، این غصه و خفت را برای ما ببار نیاید و رده کشی مملکتان، اینطرف و آنطرف دنیا، آواره و غریب مرگ بشود.

گفتم و با زمینگیم که نمی خواهم بین این و آن، رابطه ای برقرار کنم. اما آرزو دارم که فرزندان ما، از اینگونه "تیتیر" های دلخراش: "محاکمه مصدق در دادگاه نظامی" یا "مرگ محمدرضا شاه در بیما رستان قاهره" - که دل نسل ما را بسختی به درد آورد - در روزنامه های فردا نبینند.

آ. محفوظ الامضاء

سوزلف ساقی

بقیه از صفحه ۹

زندگی تجلی آوندهای حاکم از آنسرو بیشتر چشم را می آزارد که در گرما گرم شهیدستی اکثریت بزرگ جامعه ایران روی می دهد. در نخستین ماههای پس از به قدرت رسیدن انقلاب اسلامی، نه تنها فقر جنین دلازا ر نبود، بلکه زما صدرا ان هم اندک شرمی داشتند از این که در جلو چشم مردم به زندگی تجلی بپردازند. ولی امروز در حالی که فقر بیداد می کند، آوندهای دولتی هم دیگر چیزی از آن سروای اولیه شان نمی دهد. امروز دیگر برای کمتر کسی تردیدی باقی مانده است: این به هیچ وجه آن حکومتی نبود که اکثریت شرکت کننده در انقلاب می خواست، ولی در حالی که مردم به آرزوی خود رسیدند، آوندهای آرزوی خود رسید. خوش گرفتند حرفی از سوزلف ساقی گرفتند بگذا رده قرار می گیرند!

### به کارگردانی اسرائیل

بقیه از صفحه ۴

یافت و برای آن که خود را از تک و تنها نیندازد، گفت: میانه رو کسی است که با آمریکا مذاکره و معاومه می کند. بدین ترتیب ها شمی رفسنجانی ناگهان از عنصری تندرو به سیاستمداری میانه رو مبدل گردید.

رسوایی ایران - گیت، اگرچه یک تهرمان تا زه زدرن دستگاه دولتی ایالات متحد در آوردن این سبب گردید مخالفان ریگان که می خواستند تا محاکمه و برکناری او پیش ببروند، ناگهان ترمزها را بکشند، ولی به رئیس جمهوری ایالات متحد همان گونه صدمه زد که به رئیس مجلس اسلامی ایران، ها شمی رفسنجانی هنوز در زخمهای تراکهار آن ماجرا خورده است می رسد.

این صدمه دیدگان با زیگران فیلم بودند، کارگردان فیلم، یعنی اسرائیل، تقریباً هیچ صدمه ای ندید و دستش را هم داغ نکرد که دیگر آن را به سوی زما مداران رژیم تهران دراز نکند.

به تازگی خبرنگار روزنامه معروف فرانسوی فیگاروا از اورشلیم گزارش می دهد که روابط پنهانی حکومت اسرائیل با سردمداران رژیم تهران

همچنان ادامه دارد.

گرچه جزئیکی دوتن از زما مداران اسرائیل همواره وجود ارتباط پنهانی با تهران را تکذیب کرده اند، لیکن تفسیرهای رادیو اسرائیل گهگا چنین القا می کند که مناسبات ایران و اسرائیل دارای زمینه استراتژیکی استوارتر از آن است که به رژیم مروت تهران مربوط باشد، و اسرائیل از فراز حوادث کنونی به فردای ایران می نگرد.

با این همه در سیاست آنچه بیشتر به حساب می آید، انگیزه های روز و عمل است.

مفسران رادیو اسرائیل این پاسخ را به شنوندگان ایرانی خود می دهند که اگر امروز اسرائیل به رژیم آیت الله کمک تسلیحاتی نکند، ایران فردا را از دست خواهد داد؟

اگر چنین محاسبه ای درست باشد، پس ایالات متحد و انگلیس هم می بایست برای از دست ندادن آلمان پس از جنگ به هیتلر کمک می کردند، ولی آنان به هیتلر کمک نکردند و آلمان فردا را هم از دست ندادند.

از این حیث اگر محاسبه ای وجود داشته باشد این است که برای کمک به فردای

ایران، امروز نباید به رژیم کمک کرد که نه تنها خودش بدون فرداست، بلکه می کوشد ایران را نیز از فردای خویش محروم سازد.

در خور فهم است که اسرائیل بخواهد بسیار سیاست خارجی خود را در منطقه سبک کند، نیز در خور فهم است که جنگ جمهوری اسلامی و عراق با اسرائیل را در منطقه سبک می کند، اما اگر مردم ایران و عراق تا آخرین قطره خون خود را بریزند، اسرائیل که ریشه در جای دیگری دارد، حل خواهد شد؟

این مسائل با جنگ خلیج فارس بوجود نیامده، با ادامه یا پایان جنگ خلیج فارس نیز از زمین نخواهد رفت. هیچ چیز دیگری را نمی توان جای نشین یک همزیستی مسالمت آمیز در منطقه خاور میانه ساخت. این همزیستی با پدیده های همه کشورهای وجود داشته باشد ممکن است. با اسرائیل، امروز بیشتر متوجه جنگ رژیم تهران و عراق باشد تا متوجه مسائلی که تنش در امتداد عراق و اسرائیل را در منطقه بوجود آورده اند.

بهتر است اسرائیل بحث در باره ایران فردا را موکول به زمانی کند که سازندگان ایران فردا قدرت را بدست گرفته اند.

کمک به رژیم که دارا فردا میسران را نابود می کند، سبب خواهد گردید که فردا وضع سواي آن باشد که اسرائیل آرزو می کند.

### درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۱۲۰ فرانک فرانسه -

شش ماهه ۶۰ فرانک فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجا نام و نام خانوادگی شما را می نویسیم و به حروف لاتین نام خانوادگی:

Nom

نام:

Prénom

آدرس:

Adresse:

شماره حساب پستی:

QYAM IRAN

C.C.P No: 2400118/E

PARIS

شماره حساب بانکی:

QYAM IRAN

Crédit du Nord

78, Rue de la Tour

75116 Paris

Compte No: 11624700200

### توجه لازم

شما دارا در تقاضای اشتراک را به آدرسی قیام ایران ارسال فرمائید. نامه های که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

### هیاهوی

### عقدہ گشایی

بقیه از صفحه ۲

روی نداده بود این او "منفی با فانی" چون او بودند که "تصحیف" عبارات قانون و قرار از فهم این واقعیت سه "قوای مملکت ناشی از قدرت است" باب سفسطه و "مردم قریبی را گشودند و این مصیبت بزرگ را بی ریختند و سه امثال آن تا کسیران لوس و خنک اجازت دادند لجنرانی بگوید و انتخابات متین رستا خیزی را که به مردم عنا بست کرده و گفته بودند "مجا زندا زمین ۵ تا ده نفر منتخب دولت در هر شهر یکی را انتخاب کنند" دست بینا زد و وقیعت بگوید "ما اجازت داده اند از میان ۵ کدویکی را بدخواه انتخاب کنیم".

و اما این همه بجای خود حق شما "انکار" تا پذیراست تا می توانید عقده ها را نشتربزید. تا می توانید بر خمینی و خمینی گری نفرت و نفیر ونا سزا بنیاید که جا دارد. ولی در عین حال کلاهتان را نیز قاضی کنید، عیبش را می گوید، هتروش را انکار نکنید، انصافاً وحقاً "یا اونست که به این "عقده" کشائی ها "میدان داده است؟

کایزد زکرامتش سرشته است  
برخیز و بیابان در آن نور  
تا صبح خدای بینی از دور  
اورده هین سگان نشسته  
دندان سگان بمر بسته  
زان گری سگان از دها روی  
ناز رده پرویکی سبزموی  
شه کرد شتاب تا شتابند  
آن گم شده را مگر بیابند  
بردند موکلان راهش  
از سلک سگان به صدرش  
شه ماند شگفتگان جوانمرد  
چون بود کزان سگان تیار زد  
گریان گریان بیای برخاست  
صدعذریب آب چشم در خواست  
گفتا که سب چه بود بنمای  
کاین یک نفس تو ماند برجای  
گفتا سب آنکه پیش ازین بند  
دادم سگان نواله ای چند  
ایشان بنواله ای که خوردند  
با من لب خود بمهر کردند  
ده سال غلامی تو کردم  
این بودی (میوه ای) که از تو خورم  
دادی سگانم از یک آزار  
این بدگانه سگ آشنا خوار  
سگ دوست شد و آشنا نه  
سگ را حق حرمت و ترانه  
سگ صلح کند با سخوانی  
ناکس نکند وفا بجانی  
چون دید شه این شگفت کاری  
کز مردمی است رستگاری  
هشيار شد از کمار مستی  
بگذاشت سگی و سگ پرستی  
مقصودم ازین حکایت آن است  
کاسان و دهش حصار جان است  
لیلی و مجنون با رها و بارها از سوی شاعران مورد تقلید  
قرا ز گرفته است، از میان این تقلیدها هیچ یک بجسز  
مجنون و لیلی امیر خسرو و لیلی و مجنون مکتبی شیرازی  
قابل ذکر نیستند.

\* آهو: به معنی عیب نیز هست. یعنی شاه گفت عیب او را به سگان نشان دهند.  
\* مطرح: به فتح اول و سوم: محل افکندن، جایی که طعمه را پیش سگ می افکنند.  
\* دست زبیریا داشتن: ظاهراً "کنایه از گشاده دستی و بخشندگی است".  
\* سیغور: به فتح اول و سکون دوم: پارچه ابریشمی لطیف مانند حریر و اطلس، این کنایه از زینت است.  
\* خواب خرگوش: در وقت خواب بیلک های چشم خرگوش به هم نمی آید و چشم وی با زمی مانند چنان که گویی بیدار است، از این روی غفلت و بی خبری را که در عین بیداری روی می دهد، به خواب خرگوش مانند کرده اند.

### لیلی و مجنون نظامی،

### گنجینه حکایت های اجتماعی و اخلاقی

بقیه از صفحه ۶

هر کس که ز شاه بی امان بود  
آوردن و خوردنش همان بود  
بود از ندمای شه جوانی  
در ره رهنری تمام دانسی  
ترسید که شاه آشناسوز  
بیگانه شود از وی یکی روز  
آهوی \* و رابه سگ نماید  
در پیش سگانش آزمایند  
از بیم سگان، برفت پیشی  
با سگانان گرفت خویشی  
هر روز شادی و گوسفندی  
در مطرح \* آن سگان فکندی  
چندان بنواختن بدینسان  
کان دشواری بدو شده اسان  
از منت دست زیر پایش \*  
گفتند سگان مطیع راییش  
روزی به طریق خشمناکی  
شه دید در آن جوان خاکی  
فرمود بسگ دلان درگاه  
تا پیش سگان بریندش از راه  
وان سگ منشان سگی نمودند  
چون سگ به تترکش ربودند  
بستند و بدان سگانش دادند  
خود دور شدند و ایستادند  
وان شیر سگان آهین جنگ  
کردند نخست بر روی آهنگ  
چون منع خود شناختندش  
دم لابه کنان نواختندش  
گردش همه دست بند بستند  
سر بر سر دستها نشستند  
بودند برا وجودا به دل سوز  
تارفت بر این یکی شبانروز  
چون روز سپید روی بنمود  
سختور \* سیه شد زرانندود  
شده شاه ز کار خود پشیمان  
غمگین شد و گفت با ندیمان  
کان آهوی بی گناه را دوش  
دادم بسگ، اینت خواب خرگوش \*  
بینید که آن سگان چه کردند  
اندام او را چگونه خوردند  
سگان جواز این سخن شد آگاه  
آمد بر شاه و گفت ای شاه  
این شخص نه آدمی، فرشته است

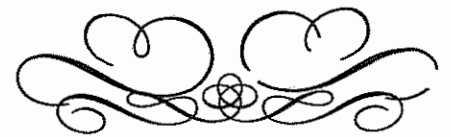
## تصمیمی که بسیار دیر اتخاذ شد

بقیه از صفحه ۳

به لردان گفت: "جنابان لسردان، دولت مدرکی در این مورد ندارد و با نتیجه نمی تواند توضیح بیشتری بدهد. چنانچه پژوهش‌هایی انجام شده با شکیاب خیر، با توجه به اخذ نتیجه لازم از این پژوهش‌ها، به نظر من صلاح نیست آن را به این طریق عنوان کنیم."

همچنین در ژوئیه ۱۹۸۶ هفتاد و هشت تن از نمایندگان احزاب محافظه کار، کارگر، لیبرال و سوسیال دموکرات در پارلمان انگلستان تذکراتی به گروهی از نمایندگان را دادند. تذکراتی که به جهت اتهامات در این تذکرات به آژانس اطلاعاتی آمریکا در این باره از دولت انگلستان خواستار است که سیاست‌های آن به تقویت حکومت ستمگر خمینی منجر نشود و از سیاست تحریم ارسال اسلحه به دو طرف درگیر در جنگ که از سوی دکتر شاپور بختیار پیشنهاد شده است، پشتیبانی به عمل آورد.

دربی انتشارات این تذکرات به دکتر شاپور بختیار، طی تلکسی که برای مطبوعات و رادیو تلویزیون‌های انگلستان مخابره کرد اظهار داشت: "من امیدوارم حکومت انگلستان به ندادن مجلس نمایندگان بریتانیا توجه کند و آن را به اجرا درآورد."



هم‌میهنان عزیز!  
 هر روز تلفن خیری نهفت مفاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می‌دهد.  
 ۴۰۵ - ۹۰ - ۴۰۵ پاریس

### وادی ایران نامه‌های پخش برنام

برنامه اول  
 ساعت ۶ تا ۶/۳۰ روی امواج کورتسایه وند تهران: روی امواج کورتسایه ریدیف‌های ۲۵ متر (فرکانس ۱۱۷۵۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲ تا ۲۲/۳۰ به فرکانس ۱۵۱۲ کیلوهرتز و ۲۱ متر (فرکانس ۷۱۷۰ کیلوهرتز).

برنامه دوم  
 ساعت ۶ تا ۶/۳۰ روی امواج کورتسایه ریدیف‌های ۱۹ متر (فرکانس ۱۵۶۵۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۱ متر (فرکانس ۱۲۰۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲ تا ۲۲/۳۰ به فرکانس ۱۵۱۲ کیلوهرتز و ۲۱ متر (فرکانس ۷۱۷۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۰۲۵ کیلوهرتز).

بقیه از صفحه ۱

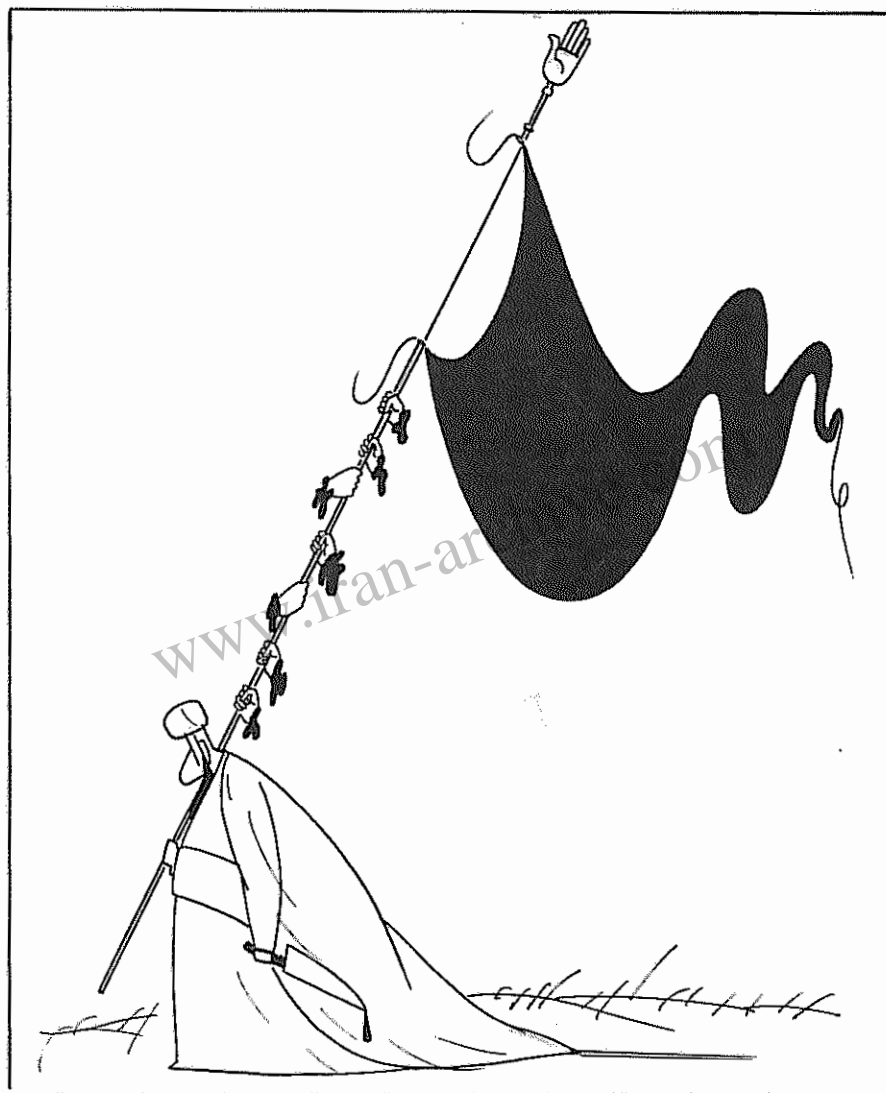
سیدمهدی‌ها شمی بر اساس کیفرخواست مفصلی که او را به انواع جرائم، از جمله قتل و ترور و جعل و ایجا دفتنه و فساد متهم می‌کنند در دادگاه ویژه روحانیت محاکمه شد و با وجود آن که هم‌سایین آنها مات به اومی چسبید و اگر قاتل و نظمی بر مملکت حاکم بود بحکم قانون و عدالت برای سیدمهدی‌ها شمی جای جزا گوشه زندان یا فرازدا وجود نداشت، مع‌هذا بقول مرحوم امام جمعه جرم واقعی او اینها هیچ کدا منیست، آدمکشی و جعل اسناد و دفتنه انگیزی و

## اگر بند ششم زبان داشت ...

رسیدگی می‌کنند و بعد از آن که دادگاه او را رد شود در فاصله چند ساعت حکم می‌دهد. در محاکمه آخوندی کاروانه است یعنی محاکمه فقط چند ساعت طول می‌کشد و صوری و علامت آن روزها و هفته‌ها و ماهها، بلکه سالها طول میکشد و ای بسا که هیچوقت حکمی ما در نشود! بهرحال، سیدمهدی‌ها شمی بخاطر همان جرمی که در کیفرخواست نیا مده است محاکمه شد، اگر آن چند نقطه‌ای که بجای بند ششم جرم سیدمهدی‌ها شمی در کیفرخواست دادستان می‌بینیم زبان داشتند و ناگفتنی‌ها را میگفتند آنوقت معلوم میشد فرشته عدالت چه گونه ناگهان چشم باز کرد و به جنایات و فجایع سیدمهدی‌ها شمی پی برد و چرا تا وقتی سیدمهدی‌ها شمی انگشت در لانه زنبور نکرده بود هیچکس و هیچ دستگاری در جمهوری اسلامی اهمیت نمی‌داد که قبل از انقلاب چه کرده و بعد از انقلاب مشغول چه کاری است! طبق مندرجات کیفرخواست، سیدمهدی‌ها شمی دربار زجونی گفته است: "تا شیرگذاری الگوهای نظیر انقلاب مصروچین و ویتنام نقطه کج روی و کج اندیشی را در من منع کرده است."

برای شرمین کج روی و کج اندیشی بود که سیدمهدی‌ها شمی انقلاب اسلامی را با انقلاب چین و ما خمینی را با ما ثوسه دون عوضی گرفت و تصور کرد چسبون مسافرت مک‌فارلین به تهران و مذاکرات محرمانه‌ای با بعضی از بزرگان جمهوری اسلامی انقلاب را به خطر انداخته است باید آن را بر ملا کرد، کج روی و کج اندیشی همین بس که سیدمهدی‌ها شمی پنداشته بود در جمهوری اسلامی بدون اطلاع و اجازه "مقام رهبری" کاری، آن هم در سطح مذاکره با آمریکا، انجام شده است.

بسیار محاکمه سیدمهدی‌ها شمی و اعترافات او و ادعای مہی که برایش نوشته اند ما ننندم و ردمشا به، در ذات خود نما یشنامه تهوع آور بدون ارزشی نیست. مع‌الوصف در کیفرخواست دادستان و شرح مختصری که از جریان مذاکرات دادگاه ویژه روحانیت به وسیله دستگاہ امنیتی رژیم انتشار یافت، نکاتی هست که



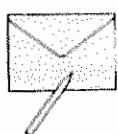
مستقل و مجردا ز نمایش "محاکمه" قابل تاءمل بنظر میرسد. دادستان دادسرای ویژه روحانیت - حجت الاسلام علی فلاحیان - آنها مات سیدمهدی‌ها شمی را در هشت ماده فهرست کرده است. ماده ششم هیچگونه شرحی ندارد. بین ماده پنجم و ماده هفتم، فقط رقم "۶" را می‌بینیم و جلوی آن چند نقطه.

این هم از بداعات دادسرای آخوندی است که شخصی را به اتهام چیزی که در کیفرخواست نیا مده است محاکمه می‌کنند. به شتر گفتند شاست از سیاست، گفت چه چیز مثل همه کس است؟! دادگاه و دادسرا در حکومت آخوندی همه چیزش با ید بهم بیا ید. همه جای دنیا رسم بس اینست که برای رسیدگی به پرونده‌های مرجوعه، دادگاه جلسات متعددی تشکیل می‌دهد و روزها و هفته‌ها به جزئیات امر

ایجا در عقب و وحشت در بین مردم جرمی است که اگر مینای با زداشت و محاکمه و مجازات اشخاص قرار گیرد اول باید به سراغ خود ما موصحا به خاص و شاگردان و دست پروردگان و وزیران و وکیلان و سفیران او بروند.

گر حکم شود که مستگیرند در شهر آن که هست گیرند! سیدمهدی‌ها شمی را بدلیل این که در ترور و آدمکشی دستی چیره داشت از زندان درآوردند و پول و اسلحه و انواع امکانات در اختیارش گذاشتند و اجازه دادند دولتی در داخل دولت تشکیل بدهد و قدرتی آنچنانی بهم بزنند و آورا که قبل از انقلاب اسلامی بخاطر کتاب قتل محاکمه و محکوم شده بود نما نجا در زندان میگذاشتند تا دوران محکومیتش را تمام کند.

نشانی:



QYAM IRAN  
 C/O C.B.  
 17, bd RASPAIL  
 75007 PARIS  
 FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد